

# نخستین جرقه انقلاب در دهه پنجاه و نقدی بر تحلیل یرواند آبراهامیان

سهراب مقدمی شهیدانی  
حسن محمدی زنجانی

## چکیده

یرواند آبراهامیان در کتاب *ایران بین دو انقلاب*، برخلاف روایت مشهور، مدعی است نقطه آغاز انقلاب به قیام ۱۹ دی قم باز نمی‌گردد بلکه نخستین جرقه آن، به جلسه‌های شب شعر و ناآرامی‌های پس از آن در دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، باز می‌گردد. در نوشتار حاضر، با تکیه بر مستندات تاریخی، این ادعا مورد بررسی علمی قرار گرفته و ضمن وارد کردن نقدهای ده‌گانه، عدم همخوانی مدعای مزبور با شواهد تاریخی اثبات می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** انقلاب اسلامی، علل پیروزی انقلاب، نقد متون انقلاب اسلامی

## مقدمه

یکی از بخش‌های چالش‌برانگیز در مبارزات نهضت امام خمینی، روایت زمینه‌های نضج‌گیری انقلاب اسلامی در نیمه دوم دهه پنجاه است. در این مورد تاکنون تحلیل‌های



مختلفی ارایه شده که بعضی از آنها در تنافی مستقیم با روایت رسمی، و مستندات معتبر تاریخی بوده است. کتاب/ *ایران بین دو انقلاب* نوشته پرواند آبراهامیان نیز نقطه عطف مبارزات انقلابی مردم ایران را از منظری مخالف با روایت رسمی، ترسیم کرده و به نظر می‌رسد دست به تحریفی آشکار زده است. این نگاه به مرور در برخی آثار منتشر شده در داخل ایران نیز اثر گذاشته و به عنوان نمونه عمادالدین باقی، در مدخل «امام خمینی» در *دایره‌المعارف تشیع*، نقطه عطف مبارزات در دهه پنجاه را به فضای باز سیاسی و اصلاحات شاهانه باز گردانده و چنین می‌نویسد:

در دی ماه سال ۱۳۵۵ به دلیل مجموعه‌ای از شرایط جهانی و داخلی فشارهایی برای اجرای اصلاحات و فضای باز سیاسی اعمال شد و شاه علی‌رغم میل خویش می‌کوشید و انمود کند که شخصاً تصمیم گرفته است به مردم آزادی داده شود. متعاقب آن، جلسات شب‌های شعر و سخنرانی‌های انتقادی و نامه‌نویسی‌های روشنفکران مخالف شاه آغاز شد و مراسم بزرگداشت جلال آل‌احمد و مصدق به تظاهرات سیاسی مبدل شد. اول آبان ۱۳۵۶ ش حاج آقا مصطفی فرزند امام خمینی به طرز مشکوکی در نجف درگذشت...<sup>۱</sup>

همان گونه که می‌خوانید، نویسنده نقطه عطف حوادث منتهی به پیروزی و در حقیقت آغاز تحولات شتاب‌زای انقلاب اسلامی را «ایجاد فضای باز سیاسی» و «جلسات شعر خوانی» و «انتقادهای روشنفکری»، برمی‌شمارد!<sup>۲</sup> گرچه نویسنده با مهارت تمام، تصریحی به مرجع مطلب مذکور نمی‌کند اما با مطالعه آثار برخی از انقلاب‌پژوهان مخالف نهضت امام، ردیابی تأثیرپذیری وی از آثار مخالفان انقلاب اسلامی چندان دشوار نیست!<sup>۳</sup>

تحلیل عملکرد و سهم جریان‌های فعال در فرآیند تحولات مربوط به انقلاب اسلامی، همواره با چالش‌های جدی همراه بوده و جریان‌های مختلف با بزرگ‌نمایی و ارایه روایت‌های غیر واقعی در پی مصادره بزرگ‌ترین انقلاب قرن بوده‌اند تا بدان پایه که برخی از همین احزاب و جریان‌ها خود را از معماران اصلی انقلاب دانسته و تلاش کرده‌اند روحانیت و حتی

۱. احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، *دایره‌المعارف تشیع*، تهران، شهید سعید محبی، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۲۶۹.

۲. اینکه یک نویسنده در داخل ایران و آن هم در مدخل مربوط به بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، با رویکردی کاملاً انفعالی و مقلدانه به باز نشر دیدگاه یک نویسنده غرب‌گرا - آن هم بدون درج منبع! - پرداخته، مایه تعجب و تأسف است. البته ناگفته پیداست که عمادالدین باقی به واسطه حضور در ایران و به اقتضای شرایط پیرامونی، به صورت روشن و صریح، به مانند آبراهامیان سخن نگفته اما با ادبیاتی غیر مستقیم همان معنا را القا کرده است.

۳. مدخل «امام خمینی» نوشته آقای عمادالدین باقی، در اثری مستقل به نام *نقدی بر مدخل امام خمینی در دایره‌المعارف تشیع* توسط بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی منتشر شده است.

شخص امام خمینی را در حاشیه روایت کنند و در نتیجه، روایتی کاریکاتوری از تاریخ انقلاب اسلامی به دست داده‌اند.<sup>۱</sup> همین مسئله، بررسی نقش احزاب و جریان‌های مختلف در همراهی با انقلاب اسلامی را با دشواری جدی مواجه کرده است.

نمونه‌ای از این روایت‌های کاریکاتوری و غیر واقعی در تحلیل وقایع مربوط به انقلاب اسلامی، در کتاب *ایران بین دو انقلاب* به چشم می‌خورد که به رغم اهمیت مسئله، چندان مورد توجه تاریخ‌پژوهان قرار نگرفته است.

اگر چه پیش از این نیز برخی پژوهشگران ایرانی به تحریف آبراهامیان درباره نخستین جرقه انقلاب، وقوف یافته و تا حدودی به نقد اجمالی آن پرداخته‌اند<sup>۲</sup> اما طبعاً به دلیل اهمیت مسئله و تالی فاسدهای فراوان آن، نیاز به نقد تفصیلی وجود دارد. به همین دلیل به منظور باز کاوی علمی و بررسی تاریخی مدعای جناب آقای پرواند آبراهامیان، در این اثر برای نخستین بار به نقد مدعای وی خواهیم پرداخت.

## مدعای آبراهامیان در مورد نخستین جرقه انقلاب

پرواند آبراهامیان از نویسندگانی است که سال‌ها از ایران دور بوده و تمام تحقیقاتش تنها از دریچه برخی منابع گزینش شده و سازمان یافته (و تقریباً تماماً چپ) روایت شده است؛ او در این کتاب تلاش دارد جرقه اولیه و اصلی انقلاب ایران را محافل شعری کمونیستی معرفی کند! آبراهامیان در این زمینه چنین می‌نویسد:

بعدها روزنامه‌نگاران جرقه انقلاب را انتشار مقاله توهین آمیز در *اطلاعات* و اعتراض مردم قم به آن مقاله اعلام کردند. اما در واقع نقطه آغاز انقلاب، پیچیده‌تر بود و نخستین جرقه آن را می‌توان جلسه‌های شب شعر

۱. روایت‌های کاریکاتوری و ناصحیح در مورد زمینه زبانه کشیدن دوباره آتش انقلاب، در مقاله‌ای تفصیلی مورد بررسی قرار گرفته است. رک: سهراب مقدمی شهیدانی، «قیام ۱۵ خرداد؛ تبلور اجتماعی ظرفیت‌های مردمی روحانیت و افول تحلیل‌های حزبی»، *پانزده خرداد*، دوره سوم، س ۱۳، ش ۴۷، بهار ۱۳۹۵، ص ۴۷۵-۴۷۲.

۲. به عنوان نمونه حجت‌الاسلام رهدار در مقاله تفصیلی خود در سال ۸۳، چنین نوشته است: «حقیقت این است که اگر بخواهیم بهانه جرقه نخستین تظاهرات خیابانی مداوم و همه‌گیر را معرفی کنیم، انصاف حکم می‌کند که مقاله توهین آمیز روزنامه *اطلاعات*، ضد روحانیان و شخص حضرت امام (قدس سره) در تاریخ ۱۷ دی ۱۳۵۶ را ذکر کنیم.» ناگفته نماند که دکتر رهدار در نقد این بخش از کتاب *ایران بین دو انقلاب*، برخی از پیش فرض‌های نادرست نویسنده را پذیرفته است. از جمله برگزاری شب‌های شعر در آبان‌ماه ۱۳۵۶ و حمله ساواک به این مراسم که در مقاله حاضر به نادرستی آنها اشاره خواهد شد.

رک: احمد رهدار، «گزارش و نقد کتاب *ایران بین دو انقلاب* نوشته پرواند آبراهامیان»، *آموزه*، ش ۴، تابستان ۱۳۸۳، ص ۲۶۴-۱۶۵.





و ناآرامی‌های پس از آن در دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) دانست.<sup>۱</sup> در موضوع نامه‌نگاری روشنفکران در دهه پنجاه نیز آبراهامیان به دنبال القای چنین معنایی است؛<sup>۲</sup> حال آن که در منابع معتبر تاریخی، ارتحال آیت‌الله سید مصطفی خمینی و علنی شدن نام امام در سراسر کشور و تلاش رژیم برای تخریب وجهه امام خمینی با نگارش نامه موهن در روزنامه/اطلاعات و قیام ۱۹ دی قم و در پی آن شکل‌گیری چهلم‌های زنجیرهای، به عنوان جرعه اصلی انقلاب اسلامی در نیمه دوم دهه پنجاه معرفی شده است.<sup>۳</sup> یکی از مسائل تاریخی مهم در زمینه انقلاب اسلامی، بحث درباره مقاطع تاریخی مؤثر در روند انقلاب اسلامی است. گذشته از حوادثی مثل ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی در دهه چهل که ریشه انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند، شناسایی مقاطع تعیین‌کننده در دهه پنجاه و سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی بسیار مهم است؛ زیرا نقاط عطف و برجسته هر واقعه، مشخص‌کننده ماهیت آن واقعه خواهند بود. اولین جرعه انقلابی در سال ۱۳۵۶، یکی از مقاطعی است که درباره آن اختلاف دیدگاه‌هایی به چشم می‌خورد. عمده نویسندگان جریان انقلاب اسلامی، جرعه انقلاب را در قیام ۱۹ دی مردم قم می‌جویند اما یرواند آبراهامیان - آن گونه که پیش‌تر بخشی از مدعای او از نظر گذشت - در کتاب *ایران بین دو انقلاب*، جرعه اولیه انقلاب را حوادث آبان‌ماه دانشگاه آریامهر (صنعتی شریف) می‌داند.<sup>۴</sup>

آبراهامیان درباره جلسات شب‌های شعر و اشعار و شاعران حاضر چندان اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد اما چنین ادعا می‌کند که مخالفان رژیم پهلوی تا اواخر آبان ۱۳۵۶، مبارزاتشان در حد بیانیه و تشکیل گروه‌های جدید بوده و اقدام حادی نداشتند؛ اما:

در اواخر آبان‌ماه به خیابان‌ها ریختند و مرحله جدیدی از روند انقلاب را آغاز کردند. نقطه عطف این مرحله ۲۸ آبان ۵۶ بود. در این روز پس از برگزاری نُه جلسه شب شعر آرام کانون نویسندگان<sup>۵</sup> در باشگاه انجمن

۱. یرواند آبراهامیان، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نی، ۱۳۹۲، ص ۶۲۴. در صفحه ۶۲۳ از همین کتاب شرحی از درگیری دانشجویان شرکت‌کننده در شب‌های شعر ارائه شده است.

۲. برای اطلاع از اعلامیه‌ها و نامه‌های روشنفکران در سال ۵۶، رک: یرواند آبراهامیان، همان، ص ۶۲۲-۶۱۸.

۳. به عنوان نمونه، رک: مجیدرضا اقدسی، *انقلاب اسلامی ایران از دی ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۸۱-۵۳.

۴. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۶۲۴.

۵. کانون نویسندگان که متولی شب‌های شعر در دانشگاه آریامهر (شریف) بوده است، ابتدا توسط جلال آل‌احمد، به آذین و دیگران در اردیبهشت سال ۱۳۴۷ به وجود آمد. این کانون ترکیبی از نیروهای توده‌ای، سلطنت‌طلب و شاعران مخالف رژیم بودند. پس از مرگ آل‌احمد، طیف توده‌ای و چپ توانستند بر کانون غلبه کنند. (رک: محمد قبادی، «کانون نویسندگان ایران»، *مطالعات تاریخی*، بهار ۱۳۸۳، ش ۲، ص ۲۴۲)

ایران و آلمان و دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف)، پلیس کوشید تا جلسه دهم را که حدود ۱۰۰۰۰ دانشجو-طرفیت کامل محل برگزاری مراسم- در آن شرکت داشتند، بر هم بزند. به دنبال این اقدام، ناگهان جمعیتی خشمگین از دانشگاه بیرون ریختند و شعارهای ضد رژیم سردادند. در ده روز بعدی نیز، تهران شاهد تظاهرات بیشتر دانشجویی و بسته شدن دانشگاه‌های اصلی شهر در اعتراض به خون‌ریزی ۲۸ آبان بود.<sup>۱</sup>



بنابراین در مدعای آبراهامیان اولاً به خشونت کشیده شدن شب‌های شعر در ۲۸ آبان ۱۳۵۶، جرقه حوادث انقلاب ایران به شمار آمده و ثانیاً حوادث بعدی انقلاب متأثر از این درگیری تلقی شده است.

### نقد‌های ده‌گانه بر مدعای نویسنده/ایران بین دو انقلاب

درباره ادعای آقای آبراهامیان پیرامون نقش جلسات شب شعر، روشنفکری در آغاز جرقه انقلاب، تأملات و انتقادات جدی وجود دارد که در ادامه به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد. مطالب مندرج در کتاب *ایران بین دو انقلاب* در گرداب یک نقیصه کلی گرفتار آمده و آن، عدم اتکای نویسنده به مستندات معتبر تاریخی است. در ادامه با اتکا به برخی شواهد معتبر، به نقد گزاره‌های ادعایی آقای آبراهامیان پرداخته می‌شود.

۱. آبراهامیان زمان برگزاری شب‌های شعر در دانشگاه آریامهر (شریف) را آبان‌ماه عنوان می‌کند؛ حال آن که بر اساس برخی گزارشات معتبر و مستندات موجود، مراسم مذکور از ۱۸ مهر تا ۲۷ مهر ۱۳۵۶ برگزار شده بود. برای اطلاع از تاریخ و محتوای اشعار و سخنرانی‌های

۱. پرواندا آبراهامیان، همان، ص ۶۲۳.





ارایه شده در این ده شب، کتاب ده شب<sup>۱</sup> منیع نسبتاً کاملی است. ضمناً اسناد و روزنامه‌های رسمی نیز همین تاریخ را تأیید می‌کند.

۲. تأکید آبراهامیان بر نقش تعیین کننده شب‌های شعر در تحولات بعدی انقلاب و تلقی وی از این واقعه به عنوان جرعه انقلاب، با فرض بر گزاری این مراسم در اواخر آبان ماه بوده است اما بر گزاری مراسم شب‌های شعر در حدود یک ماه پیش از ناآرامی‌های مورد ادعا، ناقض ادعای نویسنده خواهد بود!! اشتباه آبراهامیان درباره زمان بر گزاری شب‌های شعر، وی را به تحلیلی غلط درباره انتخاب جرعه انقلاب اسلامی کشانده است.

۳. اشتباه تاریخی دیگر نویسنده به تعداد شرکت کنندگان در مراسم بازمی‌گردد. آبراهامیان جمعیت حاضر در مراسم شب شعر را حدود ۱۰ هزار دانشجوی می‌داند حال آن که بر اساس گزارش‌های رسمی ساواک، جمعیت حاضر بیش از ۵ هزار نفر نبوده‌اند. از غلو نویسنده درباره تعداد شرکت کنندگان می‌توان به علاقه وی به بزرگ‌نمایی این محفل ادبی چپ‌گرای پی برد.

۴. شکل‌گیری تظاهرات گسترده در ۲۸ آبان که به درگیری با پلیس کشیده شد، محل تأمل جدی بوده. گزارش خاصی از تظاهرات گسترده در دانشگاه آریامهر (شریف) برای ۲۸ آبان یافت نشد. از طرفی در روز ۲۸ آبان، این دانشگاه تهران بود که اوضاع آشفته‌ای داشت نه دانشگاه آریامهر (شریف).<sup>۲</sup> حتی خانم ماندانا زندیان نویسنده کتاب *بازخوانی ده شب: شب‌های شعر گوته می‌گوید: «ده شب شعر گوته»* در نهایت بدون دخالت ساواک به انجام رسید.<sup>۳</sup>

وجود چنین تصریحاتی، مدعای نویسنده کتاب *ایران بین دو انقلاب* را با تردید جدی مواجه می‌کند! خصوصاً که او به دلیل تمایلات شدید چپ‌گرایانه خود، به صورت کاملاً گزینش‌گرانه، تحولات مربوط به دانشگاه تهران را به کلی نادیده گرفته و در عوض، با بیانی غلوآمیز - آن هم با تکیه بر پایه‌های خلاف واقع - به القای مدعای خویش دست زده است.

۱. این اثر به کوشش ناصر مؤذن گردآوری و توسط مؤسسه انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

۲. *انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک*، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۱، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳ و بخش فارسی رادیو عدن به نقل از سروش، ص ۳۹.

تحریف حقایق تاریخی و بزرگ‌نمایی محافل همسوی نویسنده، اعتبار سایر ادعاهای او را نیز زیر سؤال می‌برد. در ادامه نمونه‌های بیشتری از تحریف را مشاهده خواهید کرد.  
۵. آبراهامیان ریشه تظاهرات‌های دانشگاه آریامهر (شریف) را در جلسات شب‌های شعر جست‌وجو می‌کند و می‌گوید:

در ده روز بعدی نیز تهران شاهد تظاهرات بیشتر دانشجویی و بسته شدن دانشگاه‌های اصلی شهر در اعتراض به خون‌ریزی ۲۸ آبان بود.<sup>۱</sup>  
حال آن که بر اساس برخی گزارشات موجود، اساساً تجمعات دانشجویی در این مقطع، در اعتراض به سفر شاه به امریکا بوده و ربطی به برگزاری شب‌های شعر نداشته است! مسئله‌ای که جناب آقای آبراهامیان از کنار آن چشم‌بسته عبور کرده است! اما جای خوش وقتی است که در این موضوعات اسناد و گزارشات تاریخی کافی وجود دارد و کشف حقایق را آسان می‌نماید. به عنوان نمونه خبرگزاری آلمان در ۲۵ آبان ۵۶، درباره وقایع دانشگاه آریامهر (شریف) می‌گوید:

در پی ناآرامی‌های روز گذشته دانشجویان، پلیس تهران تدابیر امنیتی بیشتری در اطراف دو دانشگاه بزرگ پایتخت به کار بست. گفته می‌شود که این تظاهرات برای هم‌دردی با تظاهر کنندگان دانشجو در امریکا انجام شده است. مرکز این تظاهرات دانشگاه تهران و دانشگاه آریامهر (شریف) بوده است. حدود هزار نفر از دانشجویان دانشگاه آریامهر (شریف) دست به تظاهرات زدند.<sup>۲</sup>

همچنین روزنامه اطلاعات در تاریخ ۲۶ آبان ۵۶ می‌نویسد:

هم‌زمانی تظاهرات تهران و واشنگتن توجه محافل سیاسی را جلب کرده است.

همچنین بخش فارسی رادیو لندن در ۲۴ آبان گزارش داد که:

مسافرت شاه به امریکا در حالی صورت می‌گیرد که صدای اعتراض‌ها در ایران شدیدتر شده است. گزارش‌های رسیده حاکی از آن است که تظاهر کنندگان هنگامی که شاه ایران برای مذاکره با کارتر به کاخ سفید می‌رفت فریاد می‌زدند مرگ بر شاه.<sup>۳</sup>

۱. یرواند آبراهامیان، همان، ص ۶۲۳.

۲. تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران: خبرها و رویدادهای روزانه محرمانه و غیر محرمانه مرداد ۱۳۵۶ - فروردین ۱۳۵۸، تهران، سروش، ۱۳۶۹، ص ۳۸.

۳. همان، ص ۳۷.





گاردین نیز در ۲۴ آبان، اعتصاب‌های دانشگاه تهران را مرتبط با سفر شاه به امریکا قلمداد کرده است.<sup>۱</sup>

با وجود این باید از نویسنده کتاب *ایران بین دو انقلاب* پرسید که ایشان چگونه تظاهرات‌های دانشجویی در واشنگتن را متأثر از شب‌های شعر قلمداد می‌کند؟! برخی دیگر از گزارشات موجود به تظاهرات‌های اواخر آبان‌ماه ۱۳۵۶ در دانشگاه آریامهر (شریف) اشاره داشته و ریشه آنها را مسائلی غیر از تحریک و تهییج شاعران می‌دانند. ساواک برای ۲۴ و ۲۵ آبان، گزارش تظاهرات دانشجویان را رایبه کرده و می‌گوید:

تظاهرات مورد بحث بین مردم، تولید شایعاتی به شرح زیر نموده است. عده‌ای می‌گویند که علت اصلی تظاهرات، اعتراض به گران‌فروشی بوده و تعدادی معتقدند که چون دولت، دزدهای بزرگ، نظیر علیزاده و دار و دسته او را تبرئه نموده این تظاهرات به خاطر آن صورت گرفته است و پاره‌ای اظهار می‌دارند تظاهرات مذکور جهت آزادی طالقانی و منتظری و بازگشت خمینی به وطن بوده است.<sup>۲</sup>

همچنین در یکی از اسناد لانه جاسوسی آمده است:

مخالفت دانشجویی در ایران بیشتر جنبه تشریفاتی داشته و در رابطه با

مسائل محلی و آموزشی صورت می‌گیرد!<sup>۳</sup>

گرچه در این گزارش، اعتراضات دانشجویی دست کم گرفته شده‌اند اما واقعیت آن است که اعتراضات دانشجویی - به خودی خود - ظرفیت تبدیل شدن به جرقه انقلاب را نداشتند. به طور خاص، گرچه تکواژه‌های مبارزاتی نیز از مجامع روشنفکری و محافل ادبی، شنیده شده،<sup>۴</sup> اما اعضای کانون نویسندگان فاقد اعتقاد و روحیه انقلابی بودند.

با مراجعه به اسناد، مشخص می‌شود که برای تظاهرات‌های دانشجویی در مقطع آبان‌ماه، هر ریشه‌ای محتمل است جز ادعای تحریک آنان در شب‌های شعر کانون نویسندگان!

۶. با توجه به این که شب‌های شعر کانون نویسندگان در دانشگاه آریامهر (شریف) در مهرماه برگزار شده و شب پایانی آن ۲۷ مهرماه بوده است، می‌توان وقایع انقلابی در این روز را بررسی کرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که اتفاقاً ۲۷ مهر ۵۶، دانشگاه صنعتی آریامهر

۱. همان، ص ۳۶.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۱۲۳.

۳. از ظهور تا سقوط، مجموعه اسناد لانه جاسوسی، دانشجویان پیرو خط امام، تهران، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۱۵۵.

۴. به عنوان نمونه در سوم آبان ۵۷، باقر مؤمنی عضو کانون نویسندگان در جمع دانشجویان دانشگاه تهران درباره اهمیت جایگزینی سازمان‌های انقلابی به جای رژیم موجود سخن گفته و حمله به طبقات بوجود آورنده استبداد را مهم دانست. رک: میرزاباقر علیان‌نژاد، *روزشمار انقلاب اسلامی*، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۲، ج ۱۳، ص ۲۶۰.



(شریف) یکی از روزهای آرام پاییزی را گذرانده است!<sup>۱</sup>  
 ۷. آبراهامیان به دنبال نسبت دادن جرقه‌های انقلاب به کانون چپ‌گرای نویسندگان است و شب‌های شعر این کانون را نقطه عطف در روند تحولات انقلابی می‌شمارد. برای بررسی صحت ادعای آبراهامیان ضروری است تا مواضع سیاسی کانون نویسندگان و جهت‌گیری حاکم بر شب‌های شعر در دانشگاه آریامهر (شریف) بررسی شود.



اعضای کانون نویسندگان

بر اساس ادعای آبراهامیان، انتظار مواجهه با محفلی انقلابی و خروشان و ستیزه‌جو علیه رژیم پهلوی می‌رود؛ اما این کانون صرفاً حرکتی صنفی و نه اجتماعی، آن هم در محدوده «قانون اساسی» بود و اعتقادی به براندازی رژیم شاهنشاهی نداشت. تنها فعالیت رسمی کانون نویسندگان انتشار بیانیه‌هایی در اعتراض به سانسور و درخواست‌هایی برای حقوق صنفی خودشان بود و به دلیل غیر مذهبی و غیر مردمی بودنشان، فاقد هر نوع اثرگذاری جدی در میان مردم بودند.

نویسنده کتاب *بازخوانی ده شب*: شب‌های شعر گوتته از اصرار دبیران کانون نویسندگان بر موضع نگرفتن علیه رژیم در شب‌های شعر گوتته خبر داده است.

با توجه به ممانعت مسئولین شب‌های شعر گوتته از هر نوع سخن سیاسی و تنش‌زا، آیا ممکن است که اقدامی انقلابی توسط این محفل رخ دهد؟ آیا این محفل که اساساً مخالف

۱. تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران: خبرها و رویدادهای روزانه محرمانه و غیر محرمانه مرداد ۱۳۵۶ - فروردین ۱۳۵۸، همان، ص ۳۹. این در حالی است که به عکس، اوضاع دانشگاه تهران در این ایام بسیار وخیم بوده و طی حمله پلیس به دانشگاه تهران در ۲۹ آبان، ۳۰ نفر زخمی شدند که حال چند تن از آنان وخیم اعلام شد. نتیجه آن که اگر هم قرار است ناآرامی‌های دانشجویی مدنظر قرار گیرد، قطعاً دانشگاه آریامهر (شریف)، موضوع بحث نیست و نویسنده به اصطلاح ضرب‌المثل «بر گور خالی فاتحه خوانده است»!

حرکت انقلابی بود، می‌تواند جرعه انقلاب به شمار بیاید؟!]

ساواک در یکی از گزارش‌های خود از این جلسات که گزارش‌شوند مکالمه دو تن از افراد مؤثر کانون است، می‌نویسد:

شخصی به نام آرام ضمن تماس با نام‌برده بالا [سیاوش کسرابی] اظهار داشت... این شب شعر واقعاً مستهجن می‌باشد. اصولاً بعضی از شعرا مست بودند و تعدادی از آنها پشت میکروفون افتادند و واقعاً افتضاح به بار آوردند.<sup>۱</sup>

تا خرداد ماه سال ۱۳۵۶ از سوی کانون نویسندگان اقدام خاصی مشاهده نمی‌شود تا این که جمع پنج‌نفره‌ای از اعضای کانون، صرفاً در اعتراض به سانسور کتاب و روزنامه، نامه سرگشاده‌ای خطاب به امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر منتشر کرده و بدین وسیله اعلام موجودیت کردند. امضاءکنندگان بیانیه جمعی از چپ‌گرایان و عناصر غیر مذهبی بودند.<sup>۲</sup>



### شب‌های شعر گوته

با این وضعیت، می‌توان از جناب آبراهامیان - که برگزاری شب‌های شعر را آغازگر خیزش انقلابی می‌داند - پرسید چگونه است که کانون نویسندگان می‌تواند ملتی را به خیزش وادارد اما خود این مجموعه و اعضایش هیچ نقش مؤثری در روند انقلاب ایفا نکنند؟ پس از برگزاری شب‌های شاعران و نویسندگان، فعالیت‌های عمده کانون محدود به صدور اعلامیه، بیانیه و اظهار نظر در مورد مسائل روز بود که البته رنگ و بوی انقلاب - به معنای براندازی رژیم پهلوی و تأسیس حکومتی جدید - از آن استشمام نمی‌شود!

۱. سند ساواک، ۱۴۶۹۹/۲۰ هـ ۱۱-۲۶/۷/۳۶ [۱۳۵۶ ش].

۲. محمد قبادی، همان، ص ۲۴۲.

از آن گذشته، اختلافات درونی آزاردهنده‌ای بین اعضای کانون حاکم بود که آنها را حتی در اداره تشکیلات کوچک خودشان نیز ناتوان کرده بود، چه رسد که بخواهند آغازگر تحولات گسترده سیاسی یا اجتماعی باشند! ساواک در یکی از گزارشات خود به اختلافات داخلی کانون اشاره کرده و می‌نویسد:

افراد مؤثر و به اصطلاح سرکردگان کانون مرتباً جلساتی جهت بحث و مشورت تشکیل می‌دهند؛ لیکن تاکنون نتیجه مثبتی عاید آنان نشده بلکه اختلافات را تشدید و علنی‌تر ساخته است. احتمال بروز چند دستگی در بین اعضای کانون و جبهه‌گیری‌های آینده دسته‌جات مختلف زیاد است.<sup>۱</sup>

در سال ۱۳۵۷، برخی اعتراضات سیاسی توسط بعضی از اعضای کانون انجام شد اما هیئت دبیران در این حرکت‌های سیاسی نقشی نداشته و واکنش خاصی در برابر وقایع انقلابی انجام نمی‌دادند. در بررسی اسناد تاریخی، موارد محدودی از اقدامات انقلابی برخی از اعضای کانون نویسندگان مشاهده می‌شود. از جمله در ۳۰ آبان ۱۳۵۶ که «هما ناطق» و «نعمت‌الله میرزازاده» در مقابل دانشگاه آریامهر (شریف) دستگیر شده و پس از چند ساعت آزاد می‌شوند!<sup>۲</sup>

بنابراین کانون نویسندگان، برخلاف ترسیم آبراهامیان، نه کانونی انقلابی، بلکه محفلی برای چپ‌گرایانی بود که در اغلب اظهارنظرهای رسمی، به دنبال پیگیری مطالبات و منافع صنفی خود بودند. اختلافات درونی در کانون، غیر مذهبی بودن اعضا و نداشتن پایگاه مردمی، مانع از هر نوع اثرگذاری جدی اعلامیه‌های آنان در میان مردم می‌شد و این گروه در سال‌های منتهی به انقلاب اسلامی، تنها می‌کوشید با پیگیری مطالبات صنفی، ابراز وجود نماید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اعضای کانون نویسندگان با حمایت از منافقین و تجزیه‌طلبان در مسیر خیانت قرار گرفت. بعدها در حالی که مردم درگیر جنگ با عراق بعثی بودند، کانونی‌ها - که حالا دیگر شجاع شده بودند - بیانیه‌های آتشینی در محکومیت آنچه سانسور و سرکوب آزادی بیان و قلم می‌نامیدند، صادر کرده و بهانه‌هایی برای حمله تبلیغاتی غرب علیه ایران به وجود می‌آوردند.

۸. معیار آبراهامیان برای شناسایی جرعه انقلاب چیست؟ از عبارات نویسنده در توصیف شب‌های شعر چنین فهمیده می‌شود که معیار نویسنده برای جرعه بودن یک واقعه، نقش آن

۱. سند ساواک، ۲۰/۱۷۶۳۴-۱۱-۲۳/۱۱/۳۶ [۱۳۵۶ ش].

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۱۵۰.





واقعه در ایجاد تظاهرات‌های همه‌گیر و مداوم در جامعه است.

بر اساس چنین معیاری می‌توان شهادت آقا مصطفی و قیام ۱۹ دی را از نخستین جرقه‌های انقلاب اسلامی در آبان سال ۵۶ دانست.<sup>۱</sup> چرا که با این دو واقعه مهم، انقلاب به مرحله بسیج اجتماعی و تظاهرات‌های فراگیر وارد شده است. اگر بر فرض محال بخواهیم این دو اتفاق اثرگذار را نادیده بگیریم، باز هم مدعای آبراهامیان قابل دفاع نیست؛ چه این که مدت‌ها پیش از شب‌های شعر، در دانشگاه تهران ناآرامی‌های ممتدی وجود داشت که بی‌ارتباط با حلقه شعر بود. در یکی از اسناد ساواک درباره دانشگاه تهران آمده است:

از آغاز سال تحصیلی جاری به علت اشتباهات فراوان مدیریت دانشگاه، امسال حوادث بی‌شماری را ناظر بوده و خواهیم بود... در حال حاضر یکی از مراکز اصلی سر و صداها دانشکده ادبیات دانشگاه تهران است که از آنجا به جاهای دیگر و حتی به دانشگاه‌های دیگر سرایت می‌کند.<sup>۲</sup>

آبراهامیان می‌کوشد تا تظاهرات مختلف دانشگاه آریامهر (شریف) را مبدأ تحولات بعدی بنامد؛ غافل از آن که حدود دو ماه پیش از مقطع مورد ادعا (۲۸ آبان)، دانشگاه تهران در اعتصاب به سر می‌برد و تظاهرات پی‌در پی دانشجویان دانشگاه تهران حتی صدای شاه را هم در آورد. شاه در اعتراض به اغتشاشات مستمر در دانشگاه تهران، دانشجویان تظاهرات‌کننده را افراطی و خائن نامید.<sup>۳</sup> دانشجویان دانشگاه تهران و شهرستان‌ها در ۱۲ مهر ماه ۵۷، در پاسخ به فراخوان عمومی روحانیون مبارز ایران دست به اعتصاب زدند.<sup>۴</sup> همچنین گاردین درباره اعتراضات دانشگاه تهران، در ۲۵ مهر ماه نوشت: «دانشجویان تهران یک هفته است که در اغتشاش و ناآرامی به سر می‌برند.»<sup>۵</sup>

ناآرامی‌های دانشگاه تهران به صورت مستمر ادامه داشته به طوری که در گزارش بخش

۱. البته اختلاف اساسی با نویسندگان غرب‌گرا مانند آبراهامیان، نادیده گرفتن خط ممتد مبارزات اسلامی مردم ایران در طول سال‌های پس از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ تا قیام خونین ۱۹ دی قم است. اغلب این گروه از نویسندگان، این برهه مهم تاریخی که هسته‌های مقاومت مردمی چونان آتش زیر خاکستر در حال پیدایش است، نادیده می‌گیرند و در نتیجه انقلاب اسلامی را از سال ۵۶ تحلیل می‌کنند که طبعاً در این نگاه، نقطه آغاز بسیار پراهمیت است و لذا با نسبت دادن جرقه انقلاب به جریان‌های خنثی یا التقاطی و انحرافی، به دنبال وارونه‌نمایی در تحلیل نهضت عظیم اسلامی مردم ایران هستند.

۲. انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، همان، ص ۹۸.

۳. تقویم تاریخ انقلاب اسلامی ایران: خبرها و رویدادهای روزانه محرمانه و غیر محرمانه مرداد ۱۳۵۶ - فروردین ۱۳۵۸، همان، ص ۳۰.

۴. همان، ص ۳۱؛ همچنین رک: فرزندان اسلام و قرآن، تهران، بنیاد شهید، بی‌تا.

۵. همان، ص ۳۰.



فارسی صدای ملی در ۳۰ مهر می نویسد: «وضع دانشگاه‌ها همچنان متشنج است.»<sup>۱</sup> آبراهامیان نه تنها از وقایع دانشگاه تهران غفلت می کند بلکه تظاهرات‌های مستمر و دامنه‌دار پس از شهادت آقا مصطفی را نیز کم‌رنگ جلوه می دهد. او از شهادت آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ که به تظاهرات‌های عظیمی در اقصی نقاط کشور کشیده شد، سخنی به میان نمی آورد. در پی شهادت آقا مصطفی، موجی در کشور ایجاد شد که نه تنها قابل قیاس با تظاهرات دانشگاه آریامهر (شریف) و حتی وقایع دانشگاه تهران نبود بلکه باید ادعا کرد که تظاهرات دانشگاه شریف را باید تحت تأثیر آن دانست. بعد از انتشار خبر شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، سلسله مجالسی به منظور مراسم بزرگداشت ایشان در اقصی نقاط ایران برگزار گردید که اکثریت این مراسمات، واجد چند ویژگی ممتاز بودند:

این سلسله مراسم‌ها با محوریت علمای طراز اول در قم و سایر بلاد برگزار گردید و این مسئله هم بر وزانت محافل می افزود، و هم کار مأمورین امنیتی را در بر خورد با چنین مراسم‌هایی دشوار می ساخت و هم طیفی از روحانیون و مذهبیون دور از میدان سیاست را عملاً وارد گود می کرد.<sup>۲</sup>

به رغم ایجاد یک پویش عمومی به منظور برگزاری مراسم‌های ختم توسط طیف‌های مختلف - اعم از مبارز و غیر مبارز - در رأس کار گزاران اجرایی و برگزار کنندگان مجالس عزاداری و ختم، روحانیون و سایر نیروهای انقلابی قرار داشتند. آنها با استفاده بهینه از موقعیت موجود، تلاش کردند از این واقعه بیشترین استفاده را در پیشبرد نهضت امام خمینی داشته باشند. گزارش‌های ساواک نیز در این مسئله نشان از «انسجام مخالفان رژیم و برنامه‌ریزی آنها برای حداکثر استفاده از فرصت پیش آمده در کنار عزاداری است.»<sup>۳</sup> این مراسمات به صورت خودجوش و سراسری برگزار می شد و نخستین تجربه عملیات میدانی فراگیر در به صحنه کشاندن عموم مردم در میدان بود. تجربه‌ای که بعداً در کوران وقایع آتی، به بسیج عمومی توده‌های مردمی انجامید و مشروعیت سیاسی رژیم شاه را از بین برد و زمینه‌ساز سقوط رژیم گردید.

۱. همان.

۲. به عنوان نمونه، نخستین مجلس ختم بلافاصله بعد از انتشار خبر شهادت آقا سید مصطفی توسط آیت‌الله العظمی گلپایگانی برگزار شد و این مسئله نشان داد که طیفی از روحانیت طراز اول که تا پیش از این واقعه، آشکارا در میدان مبارزه حضور نداشتند، اکنون به شدت فعال شده‌اند؛ فعالیتی که گرچه به ظاهر، یک اقدام سیاسی محسوب نمی شد اما در نهایت به تقویت نهضت امام خمینی و مخالفت علنی با اقدامات رژیم انجامید.

۳. سجاد راعی گلوجه، بازتاب‌ها و پیامدهای رحلت اسرارآمیز آیت‌الله مصطفی خمینی به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تابستان ۱۳۹۱، ص ۵۸.



در اکثریت قریب به اتفاق این مراسم‌ها، نام امام خمینی علناً و با عظمت یاد می‌شد و به دنبال آن مردم یکپارچه صلوات می‌فرستادند. بدین وسیله ممنوعیت ذکر علنی نام امام شکسته شد و این مسئله در افزایش شناخت عموم مردم نسبت به امام خمینی و تثبیت بیش از پیش جایگاه رهبری ایشان، بسیار مؤثر بود.

از جمله ویژگی‌های مجالس یادشده، اتحاد یکپارچه مخالفان رژیم و برگزاری مجالس ختم متنوع از سوی طیف‌های مختلف فکری و سیاسی، به صورت جداگانه یا مشترک با نیروهای مذهبی و روحانیان انقلابی است.<sup>۱</sup> در این جهت، فعال شدن نیروهای ملی-مذهبی بسیار قابل توجه است که یک نمونه از آن، حضور فروهر و برخی دیگر از همفکران او در مجلس ختم آقا مصطفی در مسجد اعظم قم است. همچنین برگزاری مجلس ختم آقا مصطفی در لبنان توسط شهید چمران و آقا سید موسی صدر، حرکت قابل تقدیر دیگری است که به بسیاری از سوء تفاهم‌ها و اختلاف‌ها بین نیروهای مستقر در لبنان و نیروهای فعال در نهضت امام خمینی پایان داد.<sup>۲</sup> پخش اعلامیه با ماهیت سیاسی و اعتراضی، در کنار اطلاع‌رسانی سایر مجالس ختم در شهرهای مختلف- یا همان شهر برگزاری مراسم- یکی از کارویژه‌های مهم این مجالس بود.

هم‌افزایی مبارزاتی- سیاسی و مشاهده حضور یکپارچه و پر شمار مردم در مجالس ختم آقا سید مصطفی، برای نخستین بار خفقان پلیسی رژیم را شکست و نهضت را از غربت در محدوده نخبگانی بیرون آورد و عموم مردم را درگیر نمود. با وجود این، می‌توان شهادت آقا سید مصطفی و وقایع بعد از آن را، اصلی‌ترین عامل زمینه‌ساز در جهت پیدایش «انقلاب اجتماعی» و «بسج توده‌ها» در جهت «تغییرات بنیادین» و «تغییر رژیم» تلقی کرد. بازخوانی اسناد تاریخی، ابعاد فراگیر واقعه شهادت آقا مصطفی خمینی را به دست خواهد داد.<sup>۳</sup>

۹. جالب آن که کارگزاران امریکایی و انگلیسی نیز در گزارشات و خاطرات خود، برخلاف مدعای آقای آبراهامیان، جرقه نخست انقلاب اسلامی را واقعه خونین ۱۹ دی ۵۶ بر شمرده‌اند.

سفیر انگلیس در ایران می‌نویسد: «من حادثه ۹ ژانویه ۱۹۷۸ [۱۹ دی ۱۳۵۶ در قم] را

۱. همان.

۲. شهید مصطفی چمران گزارش مکتوبی از جزئیات این مجلس ختم نگاشته است. این یادداشت مربوط به نوامبر ۱۹۷۷ میلادی است، و در کتاب *خدا بود و دیگر هیچ نبود*، صفحات ۱۴۷-۱۴۲ چاپ شده است. رک: مصطفی چمران، *خدا بود و دیگر هیچ نبود*، مهدی چمران (گردآوری)، تهران، بنیاد شهید چمران، ۱۳۹۶.

۳. برای اطلاع تفصیلی در این باب رک: سهراب مقدمی شهیدانی و محمد خاکپور نصراله آبادی، «صاعقه سخنوری در غروب سپیده‌گشا»، *پانزده خرداد*، ش ۵۳، پاییز ۱۳۹۶، ص ۲۷۶-۲۴۷.

آغاز ماجرا می دانم»<sup>۱</sup>

سولیوان نیز در یکی از گزارشات خود به وزارت خارجه امریکا در تاریخ ۱۱ خرداد ۵۷، با اشاره به مقاله روزنامه/اطلاعات علیه امام خمینی در ۱۷ دی ۵۶<sup>۲</sup> و تظاهرات های مردم در قم، می نویسد:

خشونت در قم که نزدیک به یک، دو جین کشته به بار آورد، آتش سرایت کننده ای از مخالفت دینی را بر پا ساخت که خود را طی ماه های بعد در وقایع کوچک مختلفی در سراسر کشور به طور منظم نشان داد.<sup>۳</sup> با وجود این، مدعای آبراهامیان، نه تنها در اسناد ساواک و گزارشات رسمی رژیم شاه رد می شود، در روایت غربی ها نیز کوچک ترین نشانه ای برای اثبات آن وجود ندارد و عجیب است که وی در مسئله ای به این درجه از وضوح، خدشه وارد کرده است.

۱۰. کم رنگ جلوه دادن بخش اصلی مبارزان انقلاب یعنی نیروهای مذهبی، یکی از عادت های آبراهامیان است. وی جریان ها و وقایع غیر مذهبی را برجسته کرده و در هر واقعه ای اسامی تک تک روشنفکران مرتبط با آن واقعه را نام می برد؛<sup>۴</sup> اما درباره وقایع مذهبی و رهبران مؤثر آن سکوت می کند. وی که یک کشته در تظاهرات آخرین شب شعر را برجسته می کند، درباره تظاهرات یزد یا تبریز سکوت کرده و اسامی افراد مؤثر یا سخنرانان مراسم ها را نمی برد.<sup>۵</sup>

به طور خلاصه آبراهامیان به دلیل علقه فکری با کانون نویسندگان به دنبال پیدا کردن نقشی برای این محفل رنگ و رو رفته، منزوی، بی تحرک و از هم پاشیده در یکی از بزرگ ترین و اصیل ترین جنبش های مردمی در تاریخ معاصر است؛ بنابراین محفل شب های شعر چنین کانونی را برجسته کرده و آن را جرقه تحولات انقلابی می نامد. وی برای توجیه نظر خویش ناچار به تحریف تاریخ شب های شعر و غلو در آمار شرکت کنندگان در این مراسم می شود. آبراهامیان، شاعران و نویسندگان مزبور را که فاقد هر نوع ستیزه جویی انقلابی با رژیم بوده اند، مبدأ تحولات انقلابی تلقی کرده و سایر اعتراضات انقلابی و مستمر در زمان

۱. آنتونی پارسونز، *غرور و سقوط (ایران ۱۳۵۷-۱۳۵۲)*، ترجمه سید محمدصادق حسینی عسکرانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۵.

۲. *اطلاعات*، ۱۷/۱۰/۱۳۵۶، ش ۱۵۵۰۶.

۳. *اسناد لانه جاسوسی*، شماره ۱۲، دخالت های امریکا در ایران (۲)، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران، بی تا، ص ۱۳۴.

۴. به عنوان مثال در موارد متعددی اسامی بازرگان، سنجابی، متین دفتری، نزیه، فروهر، لاهیجی، صدیقی، مقدم مراغه ای و حاج معینیان و... را برجسته می کند و اصرار دارد که کمترین وقایع مربوط به ایشان را پوشش دهد. رک: پروانده آبراهامیان، همان، ص ۶۳۶-۶۲۷.

۵. همان، ص ۶۲۶.





شهادت آقا مصطفی خمینی و تظاهرات‌های دانشگاه تهران را نادیده می‌انگارد. وی همچنین اصرار دارد که تظاهرات پس از آبان‌ماه را متأثر از تظاهرات مورد ادعای خویش در دانشگاه آریامهر (شریف) بداند؛ اما بر اساس اسناد موجود، انگیزه بسیاری از ناآرامی‌های دانشجویی مثل تظاهرات ۲۴ آبان در دانشگاه تهران یا تظاهرات دانشجویان در ۳۰ آبان ۱۳۵۶، ابتدا شهادت حاج آقا مصطفی خمینی و موجی که پس از این شهادت ایران را فرا گرفت، سفر شاه به آمریکا و سفر انور سادات به اسرائیل بوده است.<sup>۱</sup>

۱. ه. موجد، *رفرم تا انقلاب*، بی‌جا، سروش، بی‌تا، ص ۴۱.